

آثار و برکات عزاداری امام حسین (ع)

علیرضار جالی

فهرست:

- آثار و برکات عزاداری و گریه بر سیدالشهداء (ع)
- سخنی پیرامون عزاداری و گریه بر سیدالشهدا (ع)
- ۱- حفظ رمز نهضت حسینی
- ۲- ازدیاد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت
- ۳- آشنایی با حقیقت دین و نشر آن
- ۴- آمرزش گناهان
- ۵- سکونت در بهشت
- ۷- گریه کننده بر حسین، در قیامت
- ۸- امان از سكرات موت و آتش دوزخ
- ۹- تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی
- سخنی با حسین (ع)
- سلام بر تو ، ای حسین !

«گریه»

مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است، و علتها و انگیزه های

مختلفی دارد که هر يك از آنها نشان دهنده حالتی خاص است . در

روایات ، بعضی از انواع گریه تحسین شده و از صفات پسندیده بندگان
پاکدل خداوند به حساب آمده است ، و بعضی از انواع گریه مذموم
شمرده شده است .

گریه ، از حالات و انفعالات انسانی است که با مقدمه ای از اندوه و
ناراحتی روانی به طور طبیعی به ظهور می رسد، و گاه ممکن است
انگیزه اش هیجانات تند روانی باشد . مثل شوق و ذوقی که از دیدار
محبوب پس از زمانی طولانی ناشی می شود. همچنین گاهی هم گریه
کردن حاکی از عقاید مذهبی انسان است با این توصیف، از آنجایی که
گریه عملی طبیعی و ای بسا غیر ارادی است؛ لذا نمی شود مورد امر
و نهی و حسن و قبح قرار گیرد، بلکه آنچه که مورد حسن و قبح است،
مقدمات و انگیزه های گریه می باشد . چنانکه گفته اند: «تو آنی که در
بند آنی .»

در اینجا برای اینکه بدانیم گریه بر سیدالشهدا (ع) چگونه گریه ای است
و چه تأثیرات و برکاتی می تواند داشته باشد، بهتر آن است که اشاره
ای به انواع گریه کنیم تا بعد از آن، نوع گریه بر آن حضرت بر ایمان
معلوم گردد.

1-گریه طفولیت : زندگانی انسان با گریه شروع می شود که همان

گریه، نشانه سلامت و تندرستی نوزاد است، و در واقع گریه در آن

زمان ، زبان طفل است .

2-گریه شوق: مانند گریه مادری که از دیدن فرزند گمشده خویش پس

از چندین سال سرداده می شود . و این گریه ای است که از روی

هیجان و احیاناً جهت سرور و شادی به انسان دست می دهد .

3-گریه عاطفی و محبت : محبت از عواطف اصیل انسانی است که با

گریه انس دیرینه دارد . مثلاً محبت حقیقی به خداوند حسن آفرین است

و برای قرب به او باید اشك محبت ریخت.

• صنما باغم عشق تو چه تد بیرکنم تا به کی

در غم توناله شبگیر کنم

4-گریه معرفت و خشیت: انجام عبادات خالصانه و تفکر در عظمت

آفرینش و کبریایی خداوند ، و همچنین اهمیت تکالیف و مسئولیتهای

انسانی باعث می گردد که نوع خاصی از خوف، در درون انسان ایجاد شود و این خوف، خوفی است که از روی معرفت به خداوند و تهذیب نفس به دست می آید که «خشیت» نامیده می شود.

5- گریه ندامت: از عوامل اندوه زدایی که منجر به گریه می گردد، محاسبه نفس و حسابرسی شخصی است، و همین حسابرسی باعث می شود که انسان به گذشته خود فکر کند و با حسابرسی، جبران کوتاهی و خطاها را بکند و اشک حسرت و ندامت از چشمانش جاری نماید، این گریه، نتیجه توبه و بازگشت به خداست.

اشک

میغلند به مزگانم به جرم رو سیاهی ای پناه بی پناهان

موسپی دروسیا هم

روز و شب از دیدگان اشک پشیمانی فشانم تابشویم شاید از اشک

پشیمانی گناهم

6-گریه پیوند با هدف : گاهی قطره های اشک انسان، پیام آور

هدفهاست . گریه بر شهید از این نوع گریه است . گریه بر شهید خوی

حماسه را در انسان زنده می کند و گریستن بر سیدالشهدا (ع) خوی

حسینی را در انسان احیا می کند ، و خوی حسینی چنان است که نه

ستم می کند و نه ستم می پذیرد. آن کسی که با شنیدن حادثه کربلا

قطره اشکی از درون دل بیرون می فرستد، صادقانه این پیوند با هدف

والای سیدالشهدا (ع) را بیان می کند .

7-گریه ذلت و شکست : گریه افراد ضعیف و ناتوانی که از رسیدن

به اهداف خود مانده اند و روح و شهامتی برای پیشرفت در خود نمی

بینند .

با ذکر این مطلب، حال باید بررسی کرد که گریه بر حسین (ع) از چه

نوع گریه است . هر کس با اندک توجهی خواهد دانست که گریه بر

حسین (ع) گریه محبت است ، آن محبتی که در دلهای عاشقانش به

ثبت رسیده است . گریه بر او ، گریه شوق است ، زیرا قسمت زیادی

از حماسه های کربلا، شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن

سیلاب اشك شوق به خاطر آن همه رشادت، فداکاری ، شجاعت و سخنرانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر ، از دیدگان شنونده سرازیر می گردد و نیز گریه معرفت و پیوند با هدف متعالی و انسان ساز او است؛ و به تعبیر امام خمینی (ره) گریه سیاسی است که فرمود: «ما ملت گریه سیاسی هستیم ، ما ملتی هستیم که با همین اشکها سیل جریان می دهیم و سدهایی را که در مقابل اسلام ایستاده است خرد می کنیم.»»

- هزارسال فزون شد ز وقعه عاشورا
- ولی زتعزیه هر روز، روز عاشور است

هیئات که گریه بر حسین (ع) گریه ذلت و شکست باشد، بلکه گریه پیوند با سرچشمه عزت است، گریه امت نیست، که گویا است ، گریه سرد کننده نیست ، که حرارت بخش است، گریه بزدلان نیست، که گریه شجاعان است ، گریه یأس و ناامیدی نیست که گریه امید است، و بالاخره گریه معرفت است و گریه معرفت در عزای حسین (ع) از

انحراف و تحریف در قیام آن حضرت جلوگیری می کند و شاید به همین جهت باشد که در فضیلت گریه بر سیدالشهدا (ع) (روایات متعددی وارد شده است . از آن جمله، روایتی است که امام صادق (ع) فرمود: «گریه و بی تابی در هر مصیبت برای بنده مکروه است، مگر گریه بر حسین بن علی (ع) که اجر و ثواب نیز دارد» . ۸۵

گریه و عزاداری برای سیدالشهدا (ع) دارای آثار و برکات مهمی است که به برخی از آنها اشاره می شود :

۱- رمز نهضت حسینی

از ارزنده ترین آثار و برکات مجالس عزاداری و گریه بر ابی عبدالله حسین (ع) حفظ رمز نهضت حسینی است .

براستی ؛ چرا در دوران منحوس سلاطین و پادشاهان جور از برپایی مجالس عزای اهل بیت (ع) به خصوص سالار شهیدان جلوگیری می شد؟ آیا نه این است که عزای حسینی و امامان شیعه، سبب می شود که سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابی، مردم را از ظلم های حکومتها

آگاهی دهند و انگیزه قیام آن حضرت که امر به معروف و نهی از

منکر است به اطلاع مردم برسد؟

آری، اینگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههایی است که به بهترین

روش و زیباترین اسلوب مردم را به سوی دین خوانده و عواطف را

آماده می کند و جاهلان و بی خبران را از خواب سنگین غفلت بیدار

می سازد و نیز در این مجالس است که مردم، دیانت را همراه با

سیاست، از مکتب حسین بن علی (ع) می آموزند .

گریه بر سید الشهداء (ع) و تشکیل مجالس عزای حسینی نه تنها اساس

مکتب را حفظ می کند، بلکه باعث می گردد شیعیان با حضور در این

مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی

شدن رشد و پرورش یابند .

کدام اجتماعی است که در عالم چنین اثری را از خود بروز داده باشد؟

کدام حادثه ای است مانند حادثه جانسوز کربلا که از دوره وقوع

تاکنون و بعدها بدینسان اثر خود را در جامعه بشریت گذارده ، و روز

به روز دامنه آن وسیعتر و پیروی و تبعیت از آن بیشتر گردد؟ از این

رو باید گفت که در حقیقت مراسم عزاداری حافظ و زنده نگهدارنده

نهضت مقدس امام حسین (ع) و در نتیجه حافظ اسلام و ضامن بقای آن است .

تشکیل مجالس عزاداری حسین، نه تنها اساس مکتب را حفظ کرده و می کند بلکه به علاوه سبب آن گردید که شیعیان با حضور در این مجالس از والاترین تربیت اسلامی برخوردار شده و در جهت حسینی شدن رشد و پرورش یابند .

«موریس دوکبری» می نویسد: «اگر مورخین ما، حقیقت این روز را می دانستند و درک می کردند که عاشورا چه روزی است ، این عزاداری را مجنونانه نمی پنداشتند . زیرا پیروان حسین به واسطه عزاداری حسین می دانند که پستی و زیر دستی و استعمار را نباید قبول کنند . زیرا شعار پیشرو و آقای آنان تن به زیر بار ظلم و ستم ندادن است .

قدری تعمق و بررسی در مجالس عزاداری حسین نشان می دهد که چه نکات دقیق و حیات بخشی مطرح می شود ، در مجالس عزاداری حسین گفته می شود که حسین (ع) برای حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار

و ماجراجویی یزید نرفت؛ پس بیایید ، ما هم شیوه او را سرمشق قرار داده از زیر دستی استعمار گرایان خلاصی یابیم و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم...» ۸۶.

۲- ازدیاد محبت به امام و تنفر از دشمنان آن حضرت

سوزی که از دل سوخته عاشقان سیدالشهدا (ع) به چشم سرایت کرده و از مجاری دو چشم آنها به صفحه رخسار وارد می شود، مراتب علاقه و اخلاص و دلبستگی به خاندان وحی و رسالت را می رساند و این عمل اثری مخصوص در ابقای مودت و ازدیاد محبت دارد .

گریه بر حضرت سیدالشهدا (ع) از مواردی است که هیچ انسانی از فرط دلسوزی و انقلاب، طاقت بردباری و تحمل در برابر استماع مصائب او را ندارد، و این گریه و بیقراری ، علاوه بر ازدیاد محبت و مهر و مودت، موجب کثرت تنفر و بی زاری از دشمنان و قاتلان آن حضرت شده و موجب برائت دوستداران این خانواده از دشمنان ایشان می گردد .

باری، گریه با آگاهی و معرفت بر امام حسین (ع) ، در واقع، اعلام
انزجار از قاتلان اوست و این تبری از آثار برجسته گریه بر امام
حسین (ع) است زیرا مردم به ویژه افرادی که دارای شخصیت هستند
از گریه کردن در برابر حوادث تا سر حد امکان امتناع می ورزند ، و
تا شعله درونی آنان به مرتبه انفجار نرسد حاضر به گریه کردن
مخصوصاً در برابر چشم دیگران نیستند، این گریه و عزاداری ابراز
کمال تنفر در برابر تعدی و تجاوز و ستمگری و پایمال نمودن حقوق
جامعه و به ناحق تکیه زدن بر مسند حکومت آنان می باشد.

-3- آشنایی با حقیقت دین و نشر آن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری سیدالشهدا (ع) این است
که مردم در سایه مراسم عزاداری به حقیقت اسلام آشنا شده و بر اثر
تبلیغات وسیع و گسترده ای که همراه با این مراسم انجام می گیرد،
آگاهی توده مردم بیشتر شده و ارتباطشان با دین حنیف محکمتر و
قویتر می گردد . چه اینکه قرآن و عترت دو وزنه نفیسی هستند که
هرگز از یکدیگر جدا نمی شوند و این آگاهی در اقامه ماتم و مراسم

سوگواری عترت رسول اکرم (ص) (به خصوص امام حسین (ع) به
آحاد مردم داده خواهد شد.

-4-آمزش گناهان

ریان بن شیبب از امام رضا (ع) روایت کرده که فرمود: «ای پسر
شیبب ، اگر بر حسین (ع) گریه کنی تا آنکه اشک چشمت بر صورتت
جاری شود، خداوند گناهان کوچک و بزرگ، و کم یا زیاد تو را می
آمرزد» ۸۷

و نیز فرمود: «گریه کنندگان باید بر کسی همچون حسین (ع) گریه
کنند ، زیرا گریستن برای او گناهان بزرگ را فرو می ریزد» ۸۹ .

-5-سکونت در بهشت

امام باقر (ع) فرمود: «هر مؤمنی که در سوگ حسین (ع) اشک دیده
ریزد، به حدی که بر گونه اش جاری گردد، خداوند او را سالیان سال
در غرفه های بهشت مسکن می دهد» . ۹۰

و نیز امام صادق (ع) فرمود: «هر کس درباره حسین (ع) شعری بخواند و گریه نماید و يك نفر را بگریاند، بهشت برای هر دوی آنها نوشته می شود . کسی که حسین (ع) نزد او ذکر شود و از چشمش به مقدار بال مگسی اشك آید، اجر او نزد خداست و برای او جز به بهشت راضی نخواهد شد» . ۹۱ .

و نیز فرمود: «هر کس که در عزای حسین (ع) بگرید یا دیگری را بگریاند و یا آنکه خود را به حالت گریه و عزا درآورد ، بهشت بر او واجب می شود» . ۹۲ .

-6 شفا یافتن

یکی دیگر از آثار و برکات مجالس عزاداری حضرت سید الشهداء (ع) شفا گرفتن است . به طوری که بارها دیده ایم و شنیده ایم که بعضی از عزاداران و گریه کنندگان بر حسین (ع) شفا گرفته اند .
نقل است که مرجع بزرگ شیعه مرحوم آية الله العظمی بروجردی در سن نود سالگی دارای چشمانی سالم بودند که بدون عینك خطوط ریز را هم می خواندند و می فرمودند: این نعمت را مرهون وجود مبارك

حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) هستم : و قضیه را چنین نقل می

فرمودند :

در یکی از سالها در بروجرد بودم، به چشم درد عجیبی مبتلا شدم که

بسیار مرا نگران ساخته بود . معالجه پزشکان فایده ای نکرد و درد

چشم هر روز بیشتر و ناراحتی من افزونتر می گردید، تا اینکه ایام

محرم شد. در ایام محرم آیه الله فقید ، دهه اول را روضه داشتند و

دسته های مختلف هم در این عزاداری شرکت می کردند . یکی از

دسته هایی که روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود، «هیئت

گلگیرها» است که نوعاً سادات و اهل علم و محترمین هستند، در حالی

که هر يك حوله سفیدی به کمر بسته اند، سر و سینه خود را گل آلود

کرده و بطور بسیار رقت بار و مهیج و در عین حال با سوز و گداز

فراوان و ذکری جانسوز آن روز را تا ظهر عزاداری می کنند . آقا

فرمودند :

«هنگامی که این دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود این

هیئت هیجان عجیبی به خود گرفته بود من هم در گوشه ای نشسته و

آهسته آهسته اشک می ریختم و در این بین هم مقداری گل از روی پای

یکی از همین افراد گلگیر برداشته و بر روی چشمهای ملتهب و ناراحتم کشیدم، و به برکت همین توسل، چشمانم خوب شد و امروز علاوه بر اینکه متبلا به درد چشم نشدم، از نعمت بینایی کامل برخوردارم، و به برکت حضرت امام حسین (ع) (احتیاج به عینک هم ندارم). با اینکه همه قوای جسمانی ایشان تحلیل رفته بود با این وجود تا آخرین ساعات زندگانی از بینایی کامل برخوردار بودند.

7- گریه کننده بر حسین. در قیامت

گریان نیست

رسول اکرم (ص) به فاطمه زهرا (س) فرمود: «هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر چشمی که برای مصائب حسین (ع) گریه کرده باشد، چنین کسی در قیامت خندان و شادان به نعمت های بهشتی

است.» ۹۳

• آن روز دیده ها همه گریان شود ز هول

• جز چشم گریه کرده بسوگ و عزای او

8- امان از سكرات موت و آتش دوزخ

مسمع گوید: حضرت امام صادق (ع) فرمود: آیا متذکر می شوی با حسین چه کردند؟ عرض کردم : آری ، فرمود: آیا جزع و گریه می کنی؟ گفتم : آری ، به خدا سوگند گریه می کنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر می شود حضرت فرمود: «خدا اشك چشمت را رحمت کند . آگاه باش که تو از آن اشخاصی هستی که از اهل جزع برای ما شمرده می شوند، به شادی ما شاد و به حزن ما محزون و اندوهناک می گردند. آگاه باش که بزودی هنگام مرگ، پدرانم را بر بالین خود حاضر می بینی ، در حالی که به تو توجه کرده و ملك الموت را درباره تو بشارت می دهند، و خواهی دید که ملك الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به فرزندش ، مهربانتر است» سپس فرمود: «کسی که بر ما اهل بیت به خاطر رحمت و مصائب وارده بر ما گریه کند،

رحمت خدا شامل او می شود قبل از اینکه اشکی از چشمش خارج گردد؛ پس زمانی که اشک چشمش بر صورت جاری شود اگر قطره ای از آن در جهنم بریزد، حرارت آن را خاموش کند، و هیچ چشمی نیست که گریه کند بر ما مگر آنکه با نظر کردن به کوثر و سیراب شدن با دوستان، خوشوقت می گردد» . ۹۴

با توجه به این روایت شریف باید گفت: جایی که آتش جهنم که قابل مقایسه با آتش دنیا نیست و به وسیله گریه بر حسین (ع) خاموش و برد و سلام گردد ، پس اگر در موردی، آتش ضعیف دنیا عزادار حسینی را نسوزاند جای تعجب نیست .

سید جلیل مرحوم دکتر اسماعیل مجاب (داندان ساز) عجایی از ایام مجاورت در هندوستان که مشاهده کرده بود نقل می کرد، از آن جمله می گفت : عده ای از بازرگانان هندو (بت پرست) به حضرت سیدالشهدا (ع) معتقد و علاقه مندند و برای برکت مالشان با آن حضرت شرکت می کنند، یعنی در سال مقداری از سود خود را در راه آن حضرت صرف می کنند. بعضی از آنها روز عاشورا به وسیله شیعیان ، شربت و پالوده و بستنی درست کرده و خود به حال عزا

ایستاده و به عزاداران می دهند، و بعضی آن مبلغی که راجع به آن حضرت است را به شیعیان می دهند تا در مراکز عزاداری صرف نمایند .

یکی از آنان را عادت چنین بود که همراه سینه زنها حرکت می کرد و با آنها به سینه زدن مشغول می شد. وقتی از دنیا رفت، بنا به مرسوم مذهبی خودشان، بدنش را با آتش سوزانیدند تا تمام بدنش خاکستر شد جز دست راست و قطعه ای از سینه اش که آتش، آن دو عضو را نسوزانیده بود .

بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شیعیان و گفتند: «این دو عضو راجع به حسین شماس» ۹۵.

-تأثیر شعر سرودن در عزای حسینی

امام صادق (ع) فرمود: «کسی نیست که برای حسین (ع) شعری بسراید و گریه کند یا بگریاند مگر اینکه خداوند بهشت را بر او واجب کرده و گناهانش را می آمرزد» ۹۶.

سخنی با حسین (ع)

«حسین ! ای پرچم خونین حق بر دوش،

حسین ! ای انقلابی مرد

حسین ! ای رایت آزادگی در دست،

در آن صحرای سرخ و روز آتشگون

قیام قامتت در خون نشست، اما

پیام نهضتت برخاست

از آن طوفان «طف» در روز عاشورا،

به دشت «نینوا» نای حقیقت از «نوا» افتاد

ولی...

مرغ شباهنگ حقیقت ، از نوای ناله «حق ، حق» نمی افتد.»

سلام بر تو ، ای حسین!

سلام بر خط شفقگون کربلا، که خون تو را، ای خون خدا - همواره

بر چهره افق می پاشد و غروب هنگام، سرخی آسمان مغرب را به

شهادت می گیرد ، تا آن جنایت هولناک را هر چه آشکارتر بنمایاند و چشم تاریخ را بر این صحنه همیشه خونین بدو زد و گوش زمان را از آن فریادها تندر گونه آن عاشورای دوران ساز، پر کند .

ای حسین ... ای عارف مسلح !

کربلای تو، عشق را معنی کر دو انقلاب تو اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور همیشگی در همه زمان ها و زمین ها بود .

ای حسین ... ای شراره ایمان !

ای حسین ... ای در سکوت سرخ ستم، شهر آشوب !

در بهت خاموشی و ترس، تلخابه فریاد را در حلقوم شب ریختی و با نامردان تبهکار ، مردانه در آویختی .

عاشورای تو، انفجاری از نور و تابشی از حق بود که بر «طور» اندیشه ها تجلی کرد و «موسی خواهان» گرفتار در «تپه» ظلمت ظلم را از سرگردانی نجات بخشید .

چه می گویم؟ ... تو تاریخ را به حرکت آوردی و زبان زمان را به سرودن حماسه های زیبای ایثار و جهاد و شهادت گشودی . لحظه لحظه تاریخ را عاشورا ساختی و جای جای سرزمین ها را کربلا ...

خفته بودیم و بی خبر ... اما تو، این «مصباح هدایت» و ای «کشتی
نجات» گام خسته ما را به تلاش کشاندی و افسردگی یأسمان را به
شور امید مبدل ساختی و از سکوت و درنگ و وحشت ، به فریاد و
هجوم و شجاعتمان رساندی و پای کوفته و پر آبله ما را، تابام آگاهی و
تا برج بیداری فرا بردی. ۹۷

«ای حسین ... »

تو کلاس فشرده تاریخی .

کربلای تو، مصاف نیست

منظومه بزرگ هستی است ،

طواف است .

پایان سخن

پایان من است

تو انتهای نداری ... ۹۸

85 وسائل الشیعه ، شیخ حر عاملی ، ج ۱۰ ص ۳۹۳

86 بحار الانوار ، علامه مجلسی ، ج ۴۴ ص ۲۸۴

87 منتخب کامل الزیارات ، ابن قولویه ، ص ۱۶۵

- 88منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص ١٦٨
- 89جلاء العيون , علامهء مجلسى , ص ٤٦٢
- 90بحار الانوار , علامهء مجلسى , ج ٤٤ ص ٢٩٣
- 91وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج ١٠ ص ٣٩٧
- 92داستانهاى شگفت , آيت الله شهيد دستغيب , ص ٩
- 93اختيار معرفة الرجال , شيخ طوسى , ٨٩
- 94خلاصه اى از مقالهء عاشورا نوشتهء جواد محدثى .
- 95خط خون موسوى گرمارودى.

والسلام./.